

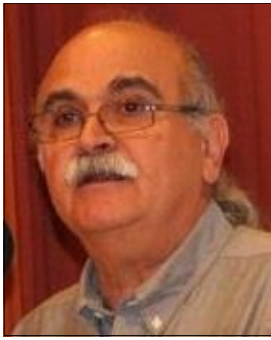
انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۶۷

جمعه ۱۹ فروردین ۱۴۰۱، ۸ آپریل ۲۰۲۲



صفحه ۳

زن ستیزی حکومت و ضرورت بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

خلیل کیوان: در روزهای گذشته و به فاصله کوتاهی دو مساله فضای سیاسی جامعه را به خود اختصاص داد. اولی ممانعت از ورود زنان به استادیوم ورزشی در مشهد بود که برای تماشای بازی فوتبال ایران و لبنان بلیط هم خریداری کرده بودند اما از ورودشان به استادیوم جلوگیری شد و نه فقط این بلکه با رفتار خشن توأم با کاربرد اسپری فلفل مواجه شدند. دومین مساله

خشونت سیستماتیک جنسی علیه زنان در جمهوری اسلامی

بیانیه حزب کمونیست کارگری

* هنوز جنایت هولناک قتل تجاوزات و تعدیات هر روزه به مونا حیدری کودک- همسر زنان است، بشدت تکانهنده و موضوع داغ جامعه بود که بیانیه یک فاجعه بزرگ تاریخی و بیش از ۳۰۰ نفر از سینماگران انسانی است.

زن از ابعاد گسترده خشونت و از اخلاقیات عقبمانده و ضد آزار و تعرض جنسی به زنان در زن و ضد بشری اسلامی که محیط سینما پرده برداشت. توسط حکومت رواج داده میشود بیحقوقی زن و تجاوز و تا کودک همسری و قوانین خشونت جنسی علیه زنان پدیده جمهوری اسلامی که تجاوز به ای جهانی است و مبارزه علیه آن دخترپچه ها را تحت عنوان و علیه بنیادهای آن نیز در سراسر ازدواج اسلامی به رسمیت جهان و به اشکال گوناگون جریان شناخته است، از تجاوز به زنان دارد. اما در کشورهایی که زندانی سیاسی در دهه شصت که جریانات اسلامی حکومت با توجیهات شرعی انجام شد و میکنند و مشخصا در ایران تجاوز تجاوز به سایر زندانیان در تمام و خشونت جنسی علیه زنان که به طول حاکمیت جمهوری اسلامی بیرحمانه ترین و زمخت ترین تا خشونت جنسی کلامی و اشکال، هر روزه و در ابعاد توهین و تحقیر جنسی هرروزه وسیعی عمل میکند، حکومتی و علیه زنان زندانی، از رفتار کثیف سیستماتیک است. این حکومت و بیشرمانه مقامات دادگاهها با است که با استفاده از تمام زنان شاکی از تجاوز یا زانی که امکانات خود فرهنگ تجاوز به برای طلاق به دادگاهها مراجعه زنان را اشاعه میدهد و زنان را میکنند و محکوم کردن زانی که رسماً و بر طبق قوانین و سنت در مقابل تجاوز جنسی از خود های اسلامی به برده جنسی دفاع میکنند در بیدادگاههای تبدیل میکند. ابعاد تجاوز و حکومت تا مقصر دانستن زانی تعدی به زنان و کودکان تحت که مورد تعرضی جنسی قرار حکومت اسلامی در ایران و میگیرند در رسانه های حکومتی سیستم عریض و طویل نهادهایی و مساجد، از بیحقوقی رسمی زن که هم و غمشان سازمان دادن در خانواده و اجبار به تمکین به کودک همسری و صیغه و خرید و شوهر تا ممنوعیت رابطه آزاد فروش زنان و کودکان و توجیه جنسی میان بزرگسالان و در ادامه در صفحه ۲

شماره صفحه:

در این شماره نشریه:

زن ستیزی حکومت و ضرورت بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

با کارزاری سراسری به حمایت از معلمان برخیریم:

۵ شهلا دانشفر

۶ رضا خندان مهابادی را به زندان بازگردانند: کاظم نیکخواه

۷ در تدارک روز جهانی کارگر: گفتگو با اصغر کریمی

۹ تجاوز میکنند، زبانشان هم دراز است: کاظم نیکخواه

۹ فیفا باید شرم کند! نسان نودینیان

۱۰ اوکراین و سرنوشت پوتین: شهاب بهرامی

در یمن چه می گذرد؟ فاجعه جنگ یمن و نقش ایران و عربستان!:

۱۱ محمد شکوهی

۱۲ دادگاه آبان و تهدید شاهدان: کیوان جاوید

۱۳ کمک مالی به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۱۴ باز می گردم! رضا خندان مهابادی

آگهی ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر

صفحه ۹

ادامه از صفحه ۱

مقابل قانونی بودن تعدد زوجات و خرید و فروش زن تحت عنوان صیغه اسلامی، از نادیده گرفتن سوءاستفاده‌های هر روزه جنسی از زنان توسط وابستگان به قدرت و کارفرماها و مقامات اداری تا تیره یا تخفیف در محکومیت مرتکبین قتل‌های ناموسی و متجاوزین به زنان، از تحقیر جنسی رنگین کمانی‌ها تا محکومیت بدلیل گرایش جنسی آنها و از تبلیغات کثیف هر روزه حکومتیان و آیت‌الله‌ها و صدا و سیما علیه بیحجابی تحت عنوان هرزگی و بی‌بند و باری زنان تا جلوگیری از آموزش مسائل جنسی در مدارس و هزاران نمونه دیگر، اینها همه گوشه‌ها و جنبه‌های مختلف سیستمی را نشان می‌دهد که از اساس بر تجاوز و تعدد به زنان و کودکان بنا شده است.

رسانه‌های حکومتی، آخوندها، آیت‌الله‌ها و کلیه مزدوران حکومت بیحجابی را

معادل «بی ناموسی» می‌کنند و این فرهنگ ضد زن و عقیم‌مانده را مدام در جامعه پمپاژ می‌کنند و بدین‌طریق اوباش و آتش به اختیاران را به جان زنان می‌اندازند اما نه کوچکترین قانونی در دفاع از زنان وجود دارد و نه کوچکترین نهادی برای حفاظت از زنانی که مورد انواع تهدیدات جنسی و قتل ناموسی و غیره قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی برعکس، نهادهای مدافع حقوق زن و فعالین این عرصه را مدام تحت تعقیب قرار می‌دهد و دستگیر و زندانی می‌کند. عامدانه از آموزش مسائل جنسی در مدارس خودداری می‌کند و بجای آن تبدیل زنان و دختران به انسان‌های بیحقوق و برده جنسی را آموزش می‌دهد و مانع آگاهی کودکان از ابتدایی‌ترین مسائل جنسی و بالا بردن هوشیاری و اعتماد بنفس آنها در مقابل دست‌درازی‌های جنسی و

راه‌های مقابله با آن میشود، چون این آموزش‌ها به خرافات مذهبی و تابوهای مذهبی ضربه‌ای اساسی می‌زند. حکومت میلیون‌ها دختر بچه را از همان کودکی بدون آموزش و بی‌دفاع در جامعه رها می‌کند و از آن‌طرف فرهنگ زن ستیزی و اینکه زن فتنه‌گر است و خودش عامل تجاوز است را رواج می‌دهد و دست‌لمپن‌های حکومتی و مردان تجاوزگر را علیه زنان باز می‌گذارد. در یک کلام تجاوز به زنان در ایران قانونی و حکومتی و نهادینه است، فرهنگ تجاوز و سوء استفاده از زنان مستقیماً توسط حکومت و طبق اسلام و قوانین حکومتی اشاعه داده میشود و مبارزه علیه آن نیز اساساً مبارزه‌ای علیه حکومت و قوانین آن است.

مقابله با حکومت زن ستیز اسلامی و حکومت تجاوز و جنایت علیه زنان از بدو سرکار آمدن حکومت در ابعادی وسیع شروع شد و علیرغم همه جنایات حکومت، این جنبش اجتماعی تر، تعرضی تر و آگاهتر شده است. مقاومت گسترده زنان علیه حجاب اجباری، عکس‌العمل معلمان و بسیاری از فعالین نسبت به قتل فجیع مونا حیدری، تحرک قابل توجه زنان و مردم آزاده در هشت مارس‌ها، بیانیه‌های مختلف توسط فعالین جنبش‌های

اعتراضی، حضور فعال زنان در خط مقدم جنبش‌های حق طلبانه، گسترش رقص و شادی زنان در هفته‌های اخیر، اعتراض وسیع به راه ندادن زنان به ورزشگاه و پاشیدن اسپری فلفل به صورت آنها و بیانیه بیش از ۳۰۰ نفر از سینماگران علیه خشونت و تجاوز جنسی و قبل تر از آن جنبش «من هم»، گوشه‌هایی از این جنبش عظیم علیه خشونت به زنان و حکومت تجاوز اسلامی و قوانین ضد زن اسلامی را نشان می‌دهد.

ریشه کن کردن تعدد و تجاوز به زنان بدون دست بردن به ریشه که خود حکومت و قوانین اسلامی است، امکان پذیر نیست. جنبش علیه خشونت و تجاوز به زنان به همین دلیل از ابتدا بخشی از جنبش سرنگونی حکومت بوده است و امروز نیز باید خود را در این قامت ببیند و در این راستا گام بردارد. افشای تعدیات و دست‌درازیها به زنان و کودکان، زیر فشار گذاشتن حکومتیان با دفاع گسترده از برابری زن و مرد و لغو حجاب اجباری و لغو قوانین ضد زن، گام مهمی در این راستاست.

این جنبش را باید همه جانبه تقویت کرد. باید از زنان معترض به خشونت جنسی بدون هیچ تردید و تاملی حمایت کرد و صدایشان را بازتاب داد. با کودک

همسری و فرهنگ ضد کودک باید فعالانه مقابله کنیم و لغو قوانین ضد انسانی حاکم در زمینه حقوق زن و کودک را به خواستی همگانی تبدیل کنیم، تبلیغات شنیع حکومتی علیه زنان را افشا و محکوم کنیم و فرهنگ پیشرفته و انسانی در زمینه مسائل جنسی را در مدارس و در سطح جامعه توسط معلمان و بخش‌های پیشرو جامعه اشاعه دهیم، ادبیات پیشرو در زمینه مسائل جنسی را با استفاده از تجارب زنان در کشورهای پیشرفته تراوایی هر چه بیشتر منتشر کنیم، خواست برابری کامل زن و مرد و لغو کلیه قوانین ضد زن و انحلال کیه ارگان‌های ضد زن حکومتی را به خواست کلیه تشکل‌ها و جنبش‌های حق طلبانه تبدیل کنیم و حکومت و ارگانها و مبلغان ضد زنش را هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهیم.

برای پایان دادن به خشونت و تجاوز هر روزه‌ای که در محیط کار و خانه و خیابان و همه جا علیه زنان صورت می‌گیرد و پایان دادن به کل بیحقوقی زن و فرهنگ و قوانین ضد زن باید حکومت زن ستیز اسلامی را سرنگون کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ فروردین ۱۴۰۱، ۶ آوریل ۲۰۲۲

اول مردوز فریاد خواستهای مشترک

بیانیه‌ها و قطعنامه‌های مشترک روز جهانی کارگر و خواستهای سراسری، مضمون اتحاد همه مردم در سراسر کشور است.

شعار حقوق‌های نجومی فلاکت عمومی، خواست افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر ۱۴ میلیونی، درمان و آموزش رایگان، آزادی معلمان و کارگران و کلیه زندانیان سیاسی، لغو کار کودکان، لغو حجاب اجباری لغو مجازات اعدام و پایان دادن به سرکوبگری‌های حکومت، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، حق تشکل، تجمع، تحزب، اعتراض و آزادی‌های وسیع سیاسی، داشتن زندگی‌ای شاد و انسانی از جمله نقطه اشتراک اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه است. میتوان با انتشار بیانیه‌هایی هماهنگ و مشترک بر این خواستها تاکید کرد.

زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری



ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلس

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس‌های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره‌های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ادامه از صفحه ۱

انتشار بیانیه ای با امضای صدها بازیگر و کارگردان زن شناخته شده در مورد خشونت سیستماتیک علیه زنان در سینمای ایران بود. این دو موضوع مباحث بسیاری را دامن زد و کماکان موضوع داغی است و در موردش اظهار نظر میشود. با حمید تقوایی هستیم و پرسش هایمان را با ایشان در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، ممانعت از حضور زنان در ورزشگاه مشهد و حمله به آنها از جانب حکومت تعرض تازه ای بود. از طرف دیگر صدها زن بازیگر و کارگردان سینما علیه خشونت سیستماتیک بیانیه منتشر کردند و بقول خودشان یک فریاد جمعی را سر دادند. این اتفاقات افشاگر این بود که زن ستیزی در ایران به یک موقعیت جدیدی و با یک بالانس تازه ای با مردم رسیده. بنظر شما زمینه های این اتفاق چه هست و چه رابطه ای با شرایط سیاسی امروز دارد؟

حمید تقوایی: این دو اتفاقی که اشاره کردید اولی یعنی مساله ممانعت از ورود زنان به ورزشگاه ظاهرا یک تعرض تازه جمهوری اسلامی به زنان است و دومی اعتراضی است علیه یک مساله مزمن در این حکومت یعنی اذیت و آزار جنسی و خشونت سیستماتیک علیه زنان. الان زنان سینماگر اعتراض کرده اند ولی اذیت و آزار جنسی علیه زنان در تمام بخشهای جامعه قابل مشاهده است. این یک حرکت اعتراضی بیسابقه و آشکار زنان علیه ستم و آزار جنسی است ولی حتی جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاه که ظاهرا تعرض حکومت است نیز پاسخی است به اعتراض زنان علیه آپارتاید جنسی؛ عکس

از بازیکنان تیم ملی خواسته اند که تا آزادی حضور زنان در ورزشگاه ها در جام جهانی قطر حتی شرکت نکنند. همچنین بیانیه ای که زنان سینماگر منتشر کرده اند مورد حمایت بخشهای وسیعی از جامعه قرار گرفته است. کلا جامعه علیه زن ستیزی و کالایی بودن زن بیشتر از گذشته به میدان آمده. اهمیت این اعتراضات را چگونه ارزیابی میکنید و به نظر شما چگونه میتوان این اعتراضات را ارتقا داد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید این اتفاقات با عکس العمل گسترده ای از طرف جامعه روبرو شد. نه فقط اتفاق میافتاد ولی اولین بار بود که زنان چنین با پافشاری و با تعرض در مقابل حکومت ایستادند و خواستار حق شان شدند. در مورد دوم هم زنان سینماگر یک بیانیه کوبنده، افشاگرانه و رادیکال علیه زن ستیزی جمهوری اسلامی منتشر کردند که همانطور که گفتیم کل زنان در ایران را نمایندگی میکند. نه فقط زنان هنرمند یا بازیگر سینما بلکه همه زنان در ایران با چنین وضعیتی روبرو هستند. هر دو مورد به نظر من نشاندهنده مقاومت و تعرض جامعه، زنان و مردان آزادیخواه، علیه زن ستیزی نهادینه جمهوری اسلامی است.

خلیل کیوان: بله هم زنان و هم مردان برابری طلب در مقابل حکومت همانطور که شما میگویید ساکت نشستند. در روزهای گذشته برخی از ورزشکاران و سلبریتی ها گفتند که تا زمانی که درهای استادیوم بروی زنان باز نشود به استادیوم نمیروند. گروهی از ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران و خانواده های کشته شدگان نامه ای منتشر کرده اند و

تا آنجایی که به مساله بیانیه اعتراضی زنان سینماگر مربوط میشود این نوعی جنبش "من هم" یا "می تو" در ایران است که در چند سال اخیر در سطح جهانی برافزوده است. منتهی باید توجه داشت که در ایران، برخلاف کشورهای دیگر که آنجا هم تعدی ها و تبعیضات علیه زنان وجود دارد، این تعرض و سوء استفاده جنسی از زنان امری رسمی، نهادینه شده و قانونی و دولتی است. حکومت با قوانین اش، با سیاستها و عملکردها روزها اش، با اخلاقیات تهوع آورش، با تبلیغات زن ستیزانه، به زن بعنوان یک کالای جنسی متعلق به مرد و ناموس مرد می نگرد و رفتار میکند. تمام گفتمان و سیاستها و قوانین جمهوری اسلامی در این جهت است و مدام تعرض و سوء استفاده جنسی از زنان را بازتولید میکند. ازینرو در جمهوری اسلامی یک تبعیض، یک خشونت و یک جنایت سیستماتیک هر روز علیه زنان در جریان است. جنایت به معنی صریح و واقعی کلمه آنجایی که ما با قتل های ناموسی روبرو هستیم که موارد اخیرش، قتل فجع مونا حیدری، جامعه را تکان داد. جنبشی که شکل گرفته است در واقع در مقابل این جنایت هائی است که حکومت علیه پنجاه درصد جامعه مدام اعمال میکند. این جنبش جزء مهمی از مبارزه کل جامعه برای بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی است چون همه میدانند که تا وقتی این حکومت سر کار است این سیاستهای ضدانسانی ادامه دارد. مردم مبارزه علیه زن ستیزی حکومت را جبهه ای می بینند برای تعرض به کل حکومت. زن ستیزی جمهوری اسلامی اعتراضاتی را برمی انگیزد که مستقیما دامن کل حکومت را میگیرد و مردم میخواهند کل این

حکومت را به زیر بکشند. پرسیدید چطور میتوان این حرکت را ارتقا داد؟ من فکر میکنم در عین اینکه این را باید بخشی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران دید و ما همیشه گفته ایم انقلابی که در ایران شکل میگیرد خصلتی زنانه خواهد داشت و اینرا هر روز داریم در تجربه می بینیم، بطور مشخص امروز این جنبش باید بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را در دستور بگذارد و این را فریاد بزند. این خود گام مهمی است در جهت سرنگون کردن جمهوری اسلامی. بخصوص با این دو واقعه که یکی در سطح ورزشی اتفاق میافتد و یکی در سطح هنری باید دو خواست مشخص بایکوت هنری و ورزشی جمهوری اسلامی را در دستور گذاشت و این را از جامعه جهانی خواست، از نهادهای بین المللی، از فیفا، از فستیوالهای سینمایی و هنری، از سلبرتی ها و چهره های ورزشی و هنری دنیا، از نهادهای مدافع حقوق زن، خواست که حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر این سیاستهای عمیقاً ضدانسانی اش علیه زنان بایکوت کنند. ما مدتهاست که سیاست منزوی کردن و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را به پیش میریم و قدمهایی هم به جلو برداشته ایم. امروز این دو مورد مشخص این زمینه را فراهم میکند که بار دیگر توجه جهانیان را به زن ستیزی جمهوری اسلامی جلب کنیم و از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهیم که جمهوری اسلامی را از نظر ورزشی و فرهنگی بایکوت کنند. هر چه این سیاست بیشتر به پیش برود و هرچه جمهوری اسلامی منزوی تر بشود ما گامهای بیشتری در جهت

ادامه از صفحه ۲

سرنگونی کل این حکومت بجلو برداشته ایم.

خلیل کیوان: تاکید شما بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است و در این دو مورد معین بایکوت فرهنگی و بایکوت ورزشی. سوال این است که آیا نهادهای بین المللی و بخصوص دولتها با توجه به مناسبات حسنه ای که با جمهوری اسلامی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی دارند را میتوان به بایکوت جمهوری اسلامی قانع کرد؟

حمید تقوایی: طبعاً بحث بر سر قانع و مجاب کردن دولتها و حتی نهادهای بین المللی نیست. بحث بر سر اعمال فشار به آنها است. میتوان و باید در سطح افکار عمومی و بوسیله نیروهای چپ، مترقی و سکولار در دنیا شرایطی ایجاد کرد و چنان فشاری به دولتها و نهادهای جهانی اعمال کرد که بخاطر منافع خودشان هم شده از جمهوری اسلامی فاصله بگیرند و آنرا بایکوت کنند. بحث ما بر سر اعمال فشار بر دولتها و نهادهای جهانی است برای آنکه جمهوری اسلامی را از نظر ورزشی، هنری و سیاسی و دیپلماتیک بایکوت کنند. این ممکن است بخاطر اینکه جنایتهای این حکومت چنان آشکار و چنان تکان دهنده است که نیروهایی مثل حزب ما و بسیاری از نیروهای دیگر که واقعا مخالف جمهوری اسلامی هستند میتوانند در سطح جهانی این پرچم را بلند کنند و افکار عمومی را آگاه کنند که در ایران واقعا چه میگذرد. ما میتوانیم به جنبشی، به حرکتی از پائین از طرف احزاب مترقی، سازمانها و اتحادیه های کارگری،

یا در گفتگوها و مناظره های تلویزیونی با نیروهای دیگر بارها مطرح کردیم ولی اساساً دو نوع برخورد منفی به این امر میشود. نیروهای اپوزیسیون راست سیاست بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را نوعی تحقیر ایران و ایرانیت می بینند و به همین خاطر پای این سیاست نمی آیند. در یک سطح استراتژیک هم این نیروها به سیاستهای که قاطع و رادیکال علیه کلیت جمهوری اسلامی باشد حتی نزدیک هم نمیشوند. اینها همیشه معتقد بودند و یا استراتژی شان این است که بالاخره بخشی از حکومت و حتی بخشی از روحانیت را ننگه دارند و با خودشان همراه کنند و از نیرو و سیاست بایکوت برایشان بیش از حد رادیکال است. از طرف دیگر برخی از نیروهای باصطلاح چپ هم، چپی که غیرسیاسی است، با این استدلال که نباید به دولتها و نهادهای جهانی رجوع کرد و از آنها نمیشود انتظار داشت و یا نباید توهمی را نسبت به آنها دامن زد سیاست بایکوت رژیم را رد میکنند. این را نوعی آوانس دادن به دولتها میدانند. ما اینطور فکر نمیکنیم. همانطور که گفتیم ما بحث مان این نیست که دولتها را قانع کنیم که حکومت اسلامی را متزوی کنند بلکه بحث بر سر شکل دادن به یک حرکت اعتراضی اجتماعی هست که همانظوری که شما گفتید امروز زمینه های مساعدی دارد. حتی چهره های ورزشی و هنری بین المللی در آمریکای شمالی در اروپا نه فقط اینبار بلکه قبلاً هم بارها پای این آمدند که نباید در این یا آن واقعه هنری یا ورزشی جمهوری اسلامی را راه داد. اینها نشان میدهد که زمینه هست، در خارج کشور، در افکار عمومی، در میان نیروهای مترقی، و حتی

شخصیتها و سلبرتی های مترقی، اتیست و طرفدار آزادی زن این زمینه هست که به میدان بیایند و خواستار انزوا و بایکوت جمهوری اسلامی بشوند. به نظر من این را چپ غیر سیاسی نمی بیند. گویا نمیشود به دولتها فشار اعمال کرد، گویا نمیشود سیاست بایکوت حکومتی را در دنیا مطرح کرد و با موفقیت به پیش برد در حالی که تجربه رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی این را کاملاً نشان داد که این ممکن است بشرطی که یک جنبش فعالی در خود آن کشور وجود داشته باشد. ای ان سی کنگره ملی آفریقا و نلسون ماندلا این پرچم را بلند کردند و موفق شدند که دنیا را بیاورند پای بایکوت رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی که بالاخره یکی از فاکتورهایی تعیین کننده در سرنگونی رژیم آپارتاید نژادی همین بود. در مورد حکومت آپارتاید جنسی در ایران هم میشود همین سیاست را به پیش برد. باید اراده سیاسی و فعالیت و نقشه عمل مشخصی در این جهت داشته باشیم. حزب ما این پرچم را بلند کرده است و من امیدوارم که نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، نیروهایی که واقعا میخواهند جامعه ایران از شر جمهوری اسلامی راحت بشود، بعنوان یک گام عملی این سیاست بایکوت جهانی جمهوری اسلامی در دستور کار خودشان بگذارند.

خلیل کیوان: همانطور که در سوالهای پیشتر مطرح کردم تعداد زیادی از فعالین سیاسی و اجتماعی، بطور فردی و نه از طرف احزاب، به این سیاست بایکوت پیوستند و عملاً اینرا در دستور دارند و گفتیم که یک لیست بلند بالایی هم از سلبرتی ها و شخصیتهای سرشناس هنری ورزشی و غیره هم در این

میدان پا گذاشته اند. سوالم این است که جنبش های اجتماعی در ایران، معلمان بازنشستگان، طبقه کارگر و جنبش کارگری ا چه نقش و وظیفه ای میتوانند در این رابطه داشته باشند؟

حمید تقوایی: بنظر من میتوانند نقش کاملاً تعیین کننده ای داشته باشند. ببینید مساله بایکوت باید از طرف خود مردم در ایران مطرح بشود؛ بعنوان یک خواست مردم رو به جامعه جهانی، با این مضمون که این حکومت ما را نمایندگی نمیکند. با این مضمون که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنها است. این حقیقت است. جمهوری اسلامی مردم ایران را نمایندگی نمیکند. هیچ بخشی، نه تنها کارگران و معلمان و بخش معترض جامعه، بلکه ۹۹ درصد جامعه را جمهوری اسلامی نمایندگی نمیکند. این حکومت یک درصدی ها و آیت الله های میلیارد و اعوان و انصارشان است. بنابراین صاحب این بحث، سخنگو یا نماینده این خواست، خود توده مردم ایران اند. مردمی که اعلام میکنند ما این حکومت را نمیخواهیم و جامعه جهانی هم نباید آنرا برسمیت بشناسد. فقط هم بحث بر سر مساله زن نیست. امروز بطور مشخص مساله زن ستیزی جمهوری اسلامی مطرح شده که بسیار هم مهم است و همانطور که گفتیم در جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران نقش حیاتی دارد، ولی فقط مساله به این محدود نیست. سیاستهای حکومت، اعدامها و جنایات بیشمار حکومت که جنبش دادخواهی را در مقابل خودش بسیج کرده است، وضعیت زندانیان سیاسی و سرکوبها،

شهلا دانشفر

با کارزاری سراسری به حمایت از معلمان برخیریم



ادامه از صفحه ۴

اعدامها که در جریان نوید افکاری توجه جهانیان را به خود جلب کرد و یا آزادی زندانیان سیاسی و کشتار در زندانها که در مساله بکتاش آبتین مطرح شد، اینها نمونه هایی از موارد مشخصی است که میتوان خواست بایکوت جمهوری اسلامی را وسیعاً مطرح کرد. طبعاً نهادها و چهره ها و فعالین کارگری، فعالین جنبش آزادی زن، فعالین جنبش دادخواهی، فعالین جنبش معلمان و بازنشستگان و غیره که اکتیو و خیلی پیگیر در میدان هستند نقش ویژه ای در این جهت دارند. از جمله من امیدوارم که امروز که به اول ماه مه روز جهانی کارگر نزدیک میشویم بخش فعال جامعه بعنوان یکی از خواسته های خودش در این روز اینرا اعلام کند که جمهوری اسلامی حکومتی است تا مغز استخوان ضد کارگر و به همین خاطر ما کارگران، ما معلمان، ما مادران دادخواه، این رژیم را بعنوان حکومت ایران برسمیت نمی شناسیم و جامعه جهانی هم باید او را برسمیت نشناسد. تناسب قوا این را اجازه میدهد که ما چنین خواستی را روی میز بگذاریم و حولش فعالیت کنیم. بهرحال حزب ما به سهم خود سعی خواهد کرد که موضوع بایکوت جمهوری اسلامی را به یک خواست عملی و واقعی در جنبش های اعتراضی در جامعه ایران تبدیل کند.

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه
۶ آوریل ۲۰۲۲

وضعیت فقر و فروپاشی اقتصادی و بحران و بیکاری و گرانی و تورم سرسام آور، تمام اینها جامعه را از جنبه های مختلفی تحت فشارهای طاقت فرسای قرار داده است. ازینرو فریاد اعتراض همه بخشهای مردم ایران میتواند و باید این باشد که این حکومت را برسمیت نشناسید. جامعه ایران دست اندر کار سرنگون کردن جمهوری اسلامی است و یک گام مهم در این جهت این است که حکومت جمهوری اسلامی در سطح جهانی منزوی بشود.

بینید مادران دادخواه در جریان انتخابات رئیسی اعلام کردند که رای ما سرنگونی است و همینطور در بسیاری از بیانیه ها و اطلاعیه ها و فراخوان ها در فضای مدیای اجتماعی و در سطح جامعه ما می بینیم به شیوه ها و مناسبتهای مختلف خواست محاکمه سران حکومت را مطرح میکنند. در دادگاه هائی بین المللی مثل دادگاه آبان، دادگاه حمید نوری که در جریان است و یا خانواده قربانیان شلیک به هوایمائی اوکراینی همین را مطرح میکنند که نه تنها حکومت باید برکنار بشود بلکه سران حکومت باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه بشوند. این الان گفتمان اعتراضی در کل جامعه است. بنابراین فعالین میتوانند در این لیست، در این خواسته های رادیکالی که مردم مطرح میکنند، منزوی شدن و قطع رابطه

سیاسی ورزشی و فرهنگی جهان با جمهوری اسلامی را هم بگنجانند. بخصوص در موارد مشخصی که پیش می آید مثل همین دو موضوعی که امروز داریم صحبت میکنیم یا قضیه قتل ناموسی مونا حیدری و یا

ابتکارت جالبی تلاش کرده اند در مقابل این سرکوبگری ها بایستند. از جمله با همراهی کردن و ابراز همبستگی جمعی با همکاران احضار شده خود، دادگاهها را به محل تجمع و اعتراضاتشان تبدیل کرده اند. در جاهایی در برابر احضار ها اولتیماتوم به اعتصاب داده اند. و با سرزدن به خانواده های معلمان زندانی و دیدار از همکاران دربندی که به مرخصی از زندان آمده اند، همبستگی مبارزاتی خود را به نمایش گذاشته اند. بعلاوه اینکه معلمان همواره یک نیروی مهم در جنبش علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته شدن پرونده های امنیتی برای همه فعالین اجتماعی با خواست آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بوده اند.

کارزار جهانی در حمایت از معلمان

اگر قبول داریم که جنبش معلمان امروز یک سنگر مهم برای همه کارگران و کل جامعه است. باید در سطحی اجتماعی و سراسری به مقابله با

بیدادگاههایش کرده است. به این معنا که حکومت اسلامی از یک سو بدنال کلی سردواندن معلمان بحث کشفی بر سر رتبه بندی مشاغل آنها که یک خواست مهم معیشتی شان است به راه انداخته است و با آیین نامه ای طویل و پیچ در پیچ که اساساً در جهت ایجاد تفرقه در صف معلمان و فاصله انداختن بین خانواده های دانش آموزان و دانش آموزان با آنان نگاهشته شده، تلاش میکند این نیرو را از درون تضعیف کند و باز هم در انتظار نگاهدارد. از سوی دیگر حکم دادنهایشان را به پیش میبرند و بساط بیدادگاهها را به راه انداخته اند. از همین رو شهر به شهر سراغ معلمان میروند تا با ایجاد فضای امنیتی مانع دوباره به میدان آمدن و گسترش دامنه اعتراضاتشان خصوصاً از همین آغاز سال ۱۴۰۱ بشوند.

از جمله در این مدت ما شاهد برگزاری دادگاه برای معلمان معترض در خوزستان و استان فارس و در شهرهای قزوین و مشهد و اسلامشهر بوده ایم. تا همین جا معلمان با

معلمان یک بخش رزمنده و پیشتاز و یکی از سازمانیافته ترین بخش معترض جامعه هستند. معلمان در اعتراضاتشان با خواسته هایی که جلو آورده اند امروز به فریاد رسای اعتراضات کل جامعه تبدیل شده اند. آنها خصوصاً در دو سال اخیر با اعتصابات و تجمعات سراسری شان که دامنه اش به ۲۰۰ تا ۳۰۰ شهر کشیده شد، به جنبشی قدرتمند و به یک سنگر مهم جنبش کارگری و مبارزات مردمی در سطح جامعه تبدیل شده اند. جمهوری اسلامی از این قدرت آنها در فضای پرتلاش سیاسی جامعه و حرکت پر شتاب جنبش کارگری در جلوی صف اعتراضات مردمی، بشدت وحشت کرده و در تلاش برای شکاف اندازی در درون آنها و سرکوب و تضعیفشان برآمده است. نباید اجازه دهیم.

در راستای پیشبرد چنین سیاستی است که جمهوری اسلامی از فرصت تعطیلات نوروز استفاده کرده و شهر به شهر شروع به احضار معلمان معترض و بر پا کردن بساط

رضا خندان مهابادی را به زندان بازگرداندند کاظم نیکخواه



محتوای داده اند. به لحاظ خواسته‌های معیشتی نیز معلمان یک نیروی مهم اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و جنبش برای افزایش حقوق ها به بالای خط فقر بوده اند. از جمله یک محور قطعنامه هایشان افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تومان بوده است. اکنون نیز با توجه به رشد سرسام آور تورم این دوازده میلیون نیز

زیرخط فقر است و در میان کارگران خواست افزایش حقوق ها به بالای ۱۶ میلیون جلو آمده است. معلمان با تاکید بر مطالبه قدیمی شان؛ اجرای طرح رتبه بندی مشاغل؛ بر افزایش حقوقها تا سطح هشتاد درصد هیات علمی تاکید کرده اند. در اینجا نیز باز اعتراض آنها به تبعیض ها و نابرابری هاست و به حقوقهای نجومی و بساط دزد سالار حاکم معترضند.

اما با توجه به سیاست حکومت برای سردوندان معلمان بر سر خواست طرح رتبه بندی، بهتر است برای متحد نگاهداشتن صف اعتراض خود مطالبه شان را مثل همیشه با بیان صریح تری اعلام کنند و با همصدا شدن با کارگران اعتراضاتشان را از چهارچوب تنگ طرح رتبه بندی مشاغل فراتر ببرند.

اول ماه مه فرصتی است که معلمان و دیگر بخش های طبقه کارگر حول خواسته‌های واحدشان متحد شوند و در برابر رژیم که در تدارک تعرض به زندگی و معیشت کل جامعه است صف قدرتمندی از مبارزات را به نمایش بگذارند. یک کارزار مهم در این روزهای نزدیک به روز جهانی کارگر، حمایت از مبارزات و خواسته‌های معلمان است. باید وسیعا به تدارک آن رفت.

ادامه از صفحه ۵

سرکوبگری های حکومت در قبال معلمان وارد صحنه شد و پاسخ آنها با کارزاری گسترده و سراسری داد. به این معنا که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و همه بخش های جامعه امروز باید بازیگران چنین کارزاری باشند. و باید صدای اعتراض معلمان در سطح جهانی بود. و من فراخوانم به برپایی چنین کارزار قدرتمندی است. این کارزار میتواند یکی از اقدامات مشترک بخش های مختلف کارگری و همه بخش های مردم در آستانه روز جهانی کارگر و نمادی از همبستگی مبارزاتی در اول ماه مه باشد. با بیانیه های مشترک اعتراضی با امضای بخش های مختلف کارگری و خصوصا خانواده های دانش آموزان صدای اعتراضمان را به این سرکوبگری ها بلند کنیم. باید با اولتیماتوم دادن هایمان به اعتراض و تجمع در مقابل دادگاهها و مراکزی که معلمان در آنها در بازداشت بسر

میرند بر پایان دادن به پیگرد و دستگیری معلمان معترض و پرونده سازی های امنیتی علیه آنان تاکید کنیم. باید خواستار آزادی فوری معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی شویم. همچنین یک دستاورد مبارزاتی مهم معلمان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان است و اعضای آن نمایندگان منتخب مجامع عمومی تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف هستند. بدین ترتیب امروز معلمان تشکل توده ای و سراسری خود را دارند. با اتکاء به وجود چنین شکلی از سازمانیابی و به خدمت گرفتن مدیای اجتماعی است که امروز بدنه وسیع معلمان در اعتراضاتی

معلمان حلقه اتصال کل جامعه

از سوی دیگر معلمان با اعلام اینکه اعتراضات آنها صرفا معیشت محور نیست و با تاکید بر آموزش رایگان، با کیفیت، مدرن، شاد و غیر ایدئولوژیک حلقه اتصال مبارزات خود با کل جامعه را تعریف کرده اند و اعتراضات آنها به همه مردم مربوط است. از جمله آنها با اعتراض به کالایی بودن آموزش و با خواست لغو مدارس خصوصی عملا با مافیای آموزش در افتاده اند. با تاکید بر آموزش غیر ایدئولوژیک و اعتراض به تفکیک جنسیتی در کتابهای درسی و اعزام گله های آخوند به مدارس به آموزش با کیفیت در مدارس معنا و

رسیدگی به موقع مقامات زندان، زمانی که دیرنگام برای درمان به بیمارستان منتقل شده بود درگذشت. موجی از اعتراض و اعلام انزجار از رفتار با این شاعر و نویسنده در جامعه و در سطح بین المللی علیه حکومت کرونا به راه افتاد و همه مردم بدرست حکومت اسلامی را عامل قتل بکتاش آبتین اعلام کردند و آنها محکوم کردند.

بازگرداندن رضا خندان به زندان را باید با صدای رسا محکوم کرد. جمهوری رذل اسلامی با این نوع بگیر و ببندها میخواهد فضای سرنگونی طلبی و اعتراضی در جامعه را عقب براند اما همه شواهد نشان میدهد که با امواج گسترده تری از اعتراضات اجتماعی روبرو خواهد شد.

رضا خندان و کیوان بازن و بکتاش آبتین نویسندگان و شاعران محبوبی هستند که به صدای جنبش مردمی و حق طلبانه علیه حکومت تبدیل شده اند و میلیونها نفر از مردم رفتار سبعانه حکومت با آنها را با خشم و گسترش مبارزه و اعتراض پاسخ خواهند داد. حاکمین کثیف اسلامی هیچ تردیدی در این نباید داشته باشند

بنا به اطلاعیه کانون نویسندگان ایران روز ۱۶ فروردین رضا خندان مهابادی نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران به دنبال احضار ، به زندان اوین بازگشته است. رضا خندان به دلیل ابتلا به کرونا و بعلاوه نیاز به یک عمل جراحی در مرخصی استعلاجی بسر میرد و دوران نقاهت را طی میکرد. طوماری در اعتراض به این احضار با امضای شمار زیادی از مردم به راه افتاد.

کانون نویسندگان در بیانیه خود گفته است "بازگرداندن رضا خندان (مهابادی) به زندان در شرایطی که هنوز با عوارض بیماری و جراحی اخیرش درگیر است، چیزی جز به خطر انداختن جان این عضو کانون نویسندگان ایران نیست و مسئولیت هر گزندی به سلامت او متوجه حکومت و قوه قضائیه آن است."

رضا خندان مهابادی همراه با دو عضو دیگر کانون نویسندگان ایران، کیوان بازن و بکتاش آبتین، پیشتر در دادگاه به ۶ سال حبس محکوم شده بودند، و مهرماه ۱۳۹۹ برای گذراندن دوره حبس به این زندان منتقل شدند.

آقای خندان و بکتاش آبتین در زندان به ویروس کرونا مبتلا شدند و بکتاش آبتین به دلیل عدم

در تدارک روز جهانی کارگر

گفتگو با اصغر کریمی



انترناسیونال: امسال بنظر میرسد در شرایط ویژه ای بطرف اول مه میرویم که از خیلی جهات مثل فضای اعتراضی و اوضاع رژیم منحصر به فرد است. این شرایط را شما چطور ارزیابی میکنید؟

اصغر کریمی: در شرایط سیاسی پرتلاطم و فضایی مبارزاتی بسیار فعالی روز جهانی کارگر را برگزار میکنیم. جامعه سراپا خشم است. این خشم در همه این سالها بوده ولی روز بروز خشم مردم بیشتر تلنبار شده، فقر و محرومیت و بیحقوقی مردم بیشتر شده، اعتراضات بسیار وسیعتر و سازمانیافته تر شده و فعالین بسیار زیادتری در یکسال گذشته به میدان آمده اند. فقط در میان معلمان که سازمانیافته تر از دیگران هستند و بدلیل همین سازمانیافتگی همزمان در بیش از سیصد شهر دست به اعتراض و اعتصاب میزنند صدها معلم زن و مرد در جلوصحنه اعتراض قرار گرفته اند و هر کدام از اینها یک سازمانده اعتراض و دادخواهی بسیار قاطعتر، رادیکال تر و شجاعانه تر و در تعداد بیشتری به میدان آمده اند. درمورد وضعیت رژیم را هم پیام نوروزی خامنه ای که گفت خوشبین نباشید که تورم کم میشه یعنی با این وضع و بدتر از این بسازید بسیار گویا است. بودجه امسال حکومت نیز نشانه یک تعرض بیشرمانه بزرگ به زندگی و معیشت دهها میلیون نفر از مردم است. اینها مردم را

بشدت خشمگین کرده است. هشتاد میلیون نفر درد مشترکی از فقر و محرومیت و بیحقوقی و بی تامینی دارند و مهمتر از همه این فاکتورها جنبه سازمانیافتگی اعتراضات و وسعت اعتراضات است. ما در چنین شرایطی داریم بطرف اول مه میرویم و میتوان انتظار داشت که یک اول مه بسیار وسیع و توده ای داشته باشیم ولی اساس این است که تا چه حد فعالین و احزابی مثل حزب ما برای این مساله فعالیت میکنند.

انترناسیونال: در مورد جنبه های عملی و سازماندهی اول ماه مه بعدا سوال میکنم اما اجازه بدهید در مورد مضمون سیاسی اول مه الان صحبت کنیم. سنتا در اول مه یکسری مطالبات مطرح میشود که داغ است و مساله آن جامعه است. برای اول مه امسال در ایران آن خواست ها و شعارهای محوری از نظر شما چیست؟

اصغر کریمی: اجازه بدهید ابتدا در مورد اهمیت و جایگاه سیاسی اول مه در فضای سیاسی ایران اشاره کنم و بعد سراغ سوال شما بروم. کارگران، معلمان، بازنشسته ها و بخش های مختلف جامعه مدام برای خواست های روزمره خود از دستمزد و لغو قراردادهای پیمانی و جلوگیری از اخراج و ناامنی محیط کار و غیره مبارزه میکنند ولی یک نکته که باید بیشتر روی آن تاکید کرد این است که روزهایی در جامعه هستند که خصلت نما و سمبلیک هستند. حکومت روزهای ارتجاعی

اعیاد و عزای خودش را دارد که حضور خودش را نشان بدهد فرهنگ و ایدئولوژی خودش را به خورد جامعه بدهد. روزهایی عقب مانده برای بسیج سیاسی و فرهنگی خودش علیه مردم و از این طریق در عین حال میخواهد جلو روزهای مدرن و اعتراضی مردم را بگیرد. اول مه و یا هشت مارس روز مردم است و بنابراین اهمیت دارد که با تمام قوا برای چنین روزهایی در مقابل روزهای ارتجاعی حکومت فرهنگ سازی کنیم و خودمان را آماده کنیم. الان یک ماه تا اول مه وقت داریم و مهم این است که فعالین چگونه و با چه انتظاری به این روز نگاه میکنند. دنیا باید ببیند که یک طبقه کارگر آگاه داریم که به روزهای خودش واقف است، اهمیت این روزهای جهانی را میشناسد و اگر جامعه چنین روزی را بزرگ بدارد کنار هم قرار گیرد، در کنار مطالبات روزمره اش به این مساله هم توجه کند این مبارزه کل جامعه را جلو میبرد و به یک روز سراسری جامعه تبدیل میشود در مقابل جمهوری اسلامی و روزهای ارتجاعی آن. در مورد خواستها، مردم دهها و صدها خواست دارند، کارگران و کل مردم آزادی میخواهند، عدالت و رفاه میخواهند، دستمزد بالاتر میخواهند، حق اعتراض و تشکل میخواهند، حق مشکل شدن میخواهند، میگویند باید آزاد باشیم که حزب سیاسی خودمان را انتخاب کنیم، میگویند دست از ظلم و ستم به زنان بردارید یا تعویق این

چندرغاز دستمزد جنایتی است علیه ما. معلمان همین خواست ها را بعضا با فرمول های متفاوتی مطرح میکنند. مردم عدالت میخواهند، حکومت آخوندی و مذهبی نمیخواهند، تبعیض نمیخواهند نمیخواهند توسری خور باشند، فساد و دزدیها و صرف بودجه های کلانی که صرف مذهب و تروریسم و حقوق های نجومی میشود را میبینند و اینها دلیل خشم و نفرتی است که در جامعه تلنبار شده است. نسل جوان و زن و مرد و کارگر و دانشجو و کارکنان فقیر ادارات و زنان خانه دار یعنی ۸۰ میلیون نفر در دشمنی با حکومت و در این خواست ها شریکند و اگر بخواهیم مردم در ابعاد توده ای به میدان بیایند باید روی همه این خواست ها دست گذاشت.

انترناسیونال: خود حزب کمونیست کارگری برای تدارک اول ماه مه مشغول چی هست و فکر میکنم در قانون کار هم کارگرانی که شامل قانون کار میشوند اول مه تعطیل هستند اما عملا این تعطیلی وجود ندارد. برای تحمیل تعطیلی اول مه چکار باید کرد؟

اصغر کریمی: در یک سری کشورها مثلا کشورهای اسکانديناوی و آلمان و ... اول مه روز تعطیل عمومی است یعنی کل جامعه این روز تعطیل است مثل روزهای شنبه و یکشنبه که تعطیل است. در ایران هم یکی از خواست های مهم کارگران باید تعطیل رسمی اول ماه مه باشد و این خواست مهم

است که در بیانیه های تشکل ها و فراخوان های فعالین و کارگران و معلمان و غیره بصورت روشن مطرح شود. باید این خواست را به یک گفتمان و یک خواست عمومی تبدیل کرد. اما علاوه بر طرح این مطالبه باید آنرا در عمل به حکومت تحمیل کرد همانطور که خیلی چیزهای دیگر را به حکومت تحمیل کرده ایم. مثلا تشکل های

مختلف کارگری را فعالین در عمل به حکومت تحمیل کردند، ماهواره را مردم کردند، بیحجابی و دهها

خواست دیگر را هم همینطور. اول مه را هم باید عملا با تعطیل مراکز کار و اعتصاب به حکومت تحمیل کرد. معلمان نقش بسیار مهمی دارند و از همین الان میتوانند در مورد این روز با دانش آموزان صحبت کنند و دانش آموزان را تشویق کنند که با خانواده هایشان صحبت کنند. اول مه یک روز شناخته شده است در ایران و از صد سال قبل هم اول مه مطرح بوده و مراسم برگزار میشده. در طول حیات جمهوری اسلامی هم خیلی وسیع تر شده. ولی باید آنرا به یک موضوع عمومی تبدیل کرد. باید کاری کرد که از معلم و دانش آموز و پرستار و کارگر و غیره بدانند یک روز مهم در پیش دارند در مقابل روزهای حکومتی، یا در مقابل صحبت خامنه ای و با تمام قوا به میدان بیایند.

تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مطرح میشود

در تدارک...

از صفحه ۷

با توجه به اینکه برای اول ماه اهمیت ویژه ای قائلیم و نقش و اهمیت آنرا برای طبقه کارگر و جامعه میدانیم از مدتی قبل در جلسات بحث کرده ایم. کانال پلاتفرمی آماده کرده ایم. جدید یک ارگان مهم تبلیغی و سیاسی توده های مردم و صدای هشتاد میلیون انسان معترض است و خودش را دارد آماده میکند و برنامه های ویژه ای به این مناسبت خواهد داشت. برنامه آنلاین و میزگرد و مصاحبه و فراخوان های خود را خواهد داشت و با توجه به بینندگان زیادی که دارد نقش خودش را در این مورد ایفا میکند. تهیه تراکت و پوستر و کلیپ و غیره

هم در دستور کار حزب قرار دارد. ولی میخواهم تاکید کنم که فعالین در ایران نقش تعیین کننده دارند و اگر از همین الان فعالین جنبش دادخواهی که سال قبل هم در اول ماه پیام دادند و کلیپ پر کردند یا خانواده های زندانیان سیاسی دهها پیام منتشر کنند یا زندانیان سیاسی که در صف مقدم اعتراضات قرار دارند، زنان معترض و برابری طلب، دانشجویان و دانش آموزان، کارگران، معلمان، بازنشستگان از همین الان شروع کنند به پیام دادن و در کلاب هاوس بحث کردن و خلاصه نیروی خودش را از همین الان بکار بیندازند میتوان این گفتمان را به میان

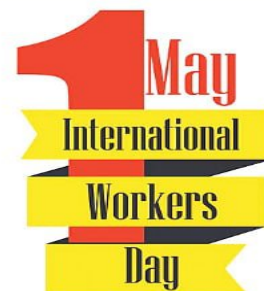
میلیون ها نفر برد. بگذار صدا و سیمای منفور حکومت خفه باشد ولی فعالین جنبش های اجتماعی این توان را دارند که گفتمان اول ماه را میلیونی کنند اگر اینکار صورت گیرد میتوان انتظار داشت که اول ماه عظیم و باشکوهی هم خواهیم داشت. این فعالین کارگری، معلمان و دانشجویان و بازنشستگان هستند که باید استارت این کار را بزنند و نقش آنها تعیین کننده است.

انترناسیونال: آیا مناسب نیست که همه تشکل های کارگران و بازنشستگان و معلمان پشت یک قطعنامه واحدی برای اول ماه قرار گیرند و با اتحادی عمیق تر خواست هایشان را مطرح کنند؟

اصغر کریمی: بنظر من این اقدام بسیار خوبی است و امیدوارم اتفاق بیفتد دهها تشکل بازنشسته، تشکل های کارگری، تشکل های معلمان که علاوه بر شورای هماهنگی تشکل های صنفی، در شهرهای مختلف کانون های صنفی خود را دارند و اگر اسامی کل این کانونها پای یک قطعنامه باشد، یا دانشجویان و رنگین کماکان و نویسندگان و تشکل های زنان و غیره یعنی تشکل های زیادی وجود دارد که اگر متحد بتوانند عمل کنند به نیروی مهمی تبدیل خواهد شد. همه بخش های جامعه که تحت ظلم و بدبختی قرار دارند باید این روز را بزرگ بدارند و چه بهتر که بقول شما بیانیه مشترک بدهند. علاوه بر این کارگران هفت تپه و فولاد و یا

کارگران هپکو و آذآب، کارگران نفت و پتروشیمی ها میتوانند با توجه به تجارت عمیق اعتراضی که دارند نقش ویژه ای ایفا کنند. کارگران شرکت واحد بعنوان مثال میتوانند علاوه بر تجمع چراغ ماشین ها را در اول ماه روشن کنند پرستاران بخشی از طبقه کارگر هستند و با سایر کادر درمان میتوانند بیانیه های اول ماه خودشان را داشته باشند. نکته من این است که باید تحرک و جنب و جوش وسیعی راه انداخت و از همین الان باید به استقبال اول ماه رفت که فضا را تا اول ماه آماده کرده باشیم که اول ماه بزرگی داشته باشیم و یک تودهنی بزرگی به پیام نوروزی خامنه ای و حکومت بزنیم.

ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر



کارگران جهان متحد شوید!

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱ مه ۲۰۲۲
۱:۳۰ بعدازظهر ایران - ۱۱ صبح اروپای مرکزی

در تلویزیون کانال جدید



۰۰۴۶۷۲۲۸۰۷۰۵۲
www.kanaljadid.com

پخش مستقیم در یوتل ست و یاهست
اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب

فیفا باید شرم کند!

نسان نودینیان

ابراهیم رئیسی در تماس تلفنی با امیر قطر جمهوری اسلامی ایران را آماده کمک به برگزاری هرچه بهتر و باشکوه‌تر

بازی‌های جام جهانی در جزیره کیش و سایر جزایر نزدیک به قطر و هرگونه مساعدت و کمک مورد نیاز دانسته است.

پیشنهاد احمقانه رئیسی به فیفا تاسف انگیز و مایه شرم است. فیفا باید خجالت بکشد.

با این پیشنهاد سردسته جلادهای ضد زن، وزن و قد فیفا کوچک شد. پیشنهاد رئیسی به فیفا از نتایج عکس‌العملهای

مماشات جویانه این نهاد ورزشی با حکومت اسلامی است که چهار دهه است با خشن‌ترین و غیر انسانی‌ترین شیوه‌ها علیه حضور زنان استادیومهای مقابل آنها ایستاده است.

فیفا هم اکنون در مرکز توجه میلیون‌ها انسان آزادیخواه و مدافعین برداشتن تبعیض جنسیتی در ورزشگاه‌ها قرار

گرفته. فیفا علیه حمله به زنان در مسابقات ایران و لبنان در استادیوم ورزشی مشهد موضع قاطعی نگرفت. طبق معمول به توصیه‌هایی که چیزی جز مماشات و سازش با رژیم ضد زن و آپارتاید جنسی نبود بسنده کرد و اقدام موثر و قابل توجهی در دستور نگذاشت. سازشهای فیفا زبان حکومتهای را درازتر کرده است تا آنجا که به طعنه پیشنهاد کرده‌اند

سردار حاجی‌زاده هدایت تیم ملی فوتبال را بر عهده بگیرد. اما فیفا بداند که زنان و مردم آزاده در ایران درهای استادیوم‌های ورزشی را با میارزات متحدانه بروی زنان باز خواهند کرد و روسیاهی برای فیفا خواهد ماند.



زورنال

تجاوز میکنند، زبانشان هم دراز است

کاظم نیکخواه

نیامده است. و تازه ابواب جمعی جمهوری کثافت اسلامی طلبکار شده‌اند و به این زنان میگویند شما غرب زده و نولیبرال شده‌اید و از me too تقلید میکنید و امثال اینها.

بنا به گزارشها همزمان با سکوت خانه سینما و سایر اصناف وابسته به سینما در برابر بیانیه سینماگران زن درباره «خشونت و آزار جنسی» در محیط کار، مدیر عامل موسسه همشهری

واقعا این کثافات را باید صدایشان را خفه کرد. بیش از ۳۰۰ تن از زنان سینماگر بیانیه‌ای چند روز قبل دادند و به آزارهای جنسی و فشارها و تحقیرها و توهین‌ها اعتراض کردند. نامه آنها به خانه سینما نوشته شده بود و از خانه سینما خواسته شده بود که یک کمیسیون مستقل تشکیل دهد و تحقیق کند. اما این خانه کذایی طی این دو روز صدایش در

این زنان معترض را «طوطیان نولیبرال وطنی» خطاب کرد. محسن مهدیان، از مدیران سابق در خیرگزاری فارس نزدیک به سپاه و مدیرعامل کنونی همشهری، روز جمعه، ۱۲ فروردین، در توییتی اعتراض زنان سینماگر ایران را تقلیدی از کارزار «من هم (Me too)» دانست که توسط «بازیگران زن هالیوود درباره آزار جنسی» به راه افتاد. او نوشت: «از هالیوودی شدن سینمای ایران، تبعیض و تعرضش به ما رسید» او گفته است «نسخه‌های تقلیدی طوطیان نولیبرال وطنی همین اندازه کاریکاتوری است (و

درباره زنان معترض سینمای ایران گفت که «از غربی شدن به رسوبات لجنزارش هم نمی‌رسند» جواب این کثافات را فقط با تو ذهنی باید داد و مردم دارند میدهند. عمامه شان را زیر پا له میکنند. تندیس خمینی شان را آتش میزنند و این‌ها هنوز از نتایج سحر است و بقیه اش هم خیلی زود خواهد آمد. تجاوز و تحقیر و آزار زنان جزو ذاتی حکومت کثیف اسلامی است. برای اینها me too کافی نیست. انقلابی بنیان کن لازم است که ریشه این سنت و مذهب و رژیم متحجر و ضد

زن و ضد زندگی را از اساس بکند و دور بیندازد. و این انقلاب را زن و مرد و دختر و پسر و کارگر و بازنشسته و معلم این کشور دارند آبیاری میکنند و سرعت جلو می‌برند. اولین اقدام این انقلاب آزاد کردن زنان از تجاوز و اسلام و حجاب و عزا و کودک همسری و قتل ناموسی و امثال اینهاست. این پاسدار ژورنالیست همشهری اما معلوم است که کر و خرفت شده است و هنوز صدای انقلاب ضد اسلامی را نشنیده است و دارد زبان درازی میکند.



شهاب بهرامی

اوکراین و سرنوشت پوتین

بیش از شش هفته از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین می‌گذرد و هنوز هیچ دورنمایی از پایان این جنگ و یا آتش بسی موقت دیده نمی‌شود. با عقب نشینی بخشی از نیروهای روسی از اطراف کیف پایتخت این کشور، وجه دیگری از جنایات نیروهای روسی نمایان شد. کشتار فجیع بیش از چهارصد نفر غیرنظامی در شهرک "بوچا" خشم، اندوه و انزجار جهانیان، از پوتین و دستگاه سیاسی-نظامی دولت روسیه را به نمایش گذاشت.

به دنبال رخداد شهرک بوچا که "زلنسکی" رئیس جمهور اوکراین آنرا نسل کشی و کشتار غیرنظامیان نامید، دولت آمریکا از سازمان ملل درخواست نمود تا عضویت روسیه از شورای حقوق بشر این سازمان را به حالت تعلیق درآورد. بسیاری از کشورهای اروپایی نیز قول دادند تحریم های سنگین تری را علیه این کشور اعمال نمایند.

بعد از فروکش کردن پاندمی کرونا و مرگ بیش از پنج میلیون نفر، دنیا آماده دیدن پرده دیگری از تراژدی، اینبار در اوکراین نبود. کراخت ناسیونالیسم عظمت طلبانه روسی نیز نشان داد که در توحش و جنایت علیه بشریت دست کمی از جنایتکاران آمریکائی و متحدان ناتوئی اش ندارد اما اشتباه است اگر فجاج

عظیم بحران اوکراین را فقط به کراخت ناسیونالیسم روسی گره زد. اگر بیل کلینتون و بوش و اواما در حمله به ۹ کشور و کشتن چند میلیون غیر نظامی، مفتخر به دریافت جایزه صلح نوبل گردیدند، ولادیمیر پوتین به جای جایزه نوبلی احتمالاً بر روی صندلی متهم به اتهام جنایت علیه بشریت در دادگاه نورنبرگ هاگ، ناخن خواهد جوید.

دادگاه لاهه بررسی می کند

تحقیقات در مورد جنایت جنگی علیه بشریت، در حال حاضر در دادگاه لاهه به درخواست تعدادی از کشورهای اروپایی شروع شده اما با توجه به شروع نشدن پروسه تحقیقات از وقوع جرم و مجرم به دلیل عدم شرکت نمایندگان دولت روسیه در جایگاه متهم اصلی فجاج اوکراین، امید به موفقیت این نوع دادگاه ها چندان زیاد نیست.

فیلیپ سنندز حقوقدان و پروفیسور دانشگاه کمبریج در مورد لاهه می گوید: دادگاه لاهه اساساً بر مبنای ضوابط دادگاه نورنبرگ هنگام محاکمه سران نازی به سه مورد می تواند رسیدگی کند. یکم، زیر پا گذاشتن قوانین جنگی. دوم، جنایت علیه بشریت. سوم، قتل عام. اما جرم

چهارمی هم وجود دارد که در دادگاه نورنبرگ معروف به جرم علیه صلح بود. به بیانی ساده می گوید اگر شخصی یا دولتی به صورت غیر قانونی آغازگر جنگی علیه کشور دیگری باشد هر سه مورد گفته شده ی دادگاه نورنبرگ را در بر می گیرد.

ما معمولاً شاهد هستیم که با برگزاری دادگاهها در بهترین حالت بعد از سه یا چهار سال چند افسر میانی به دادگاه کشیده شده و محکوم می شوند در

حالیکه مسببین و دستور دهندگان اصلی مصون می مانند.

سنندز معتقد است تنها راهی که بشود پوتین را به محاکمه کشاند بررسی اتهام دستور جنگی وی و حمله به اوکراین می باشد چرا که اگر جنگی در نمی گرفت آن جنایات دیگر نیز به وقوع نمی پیوست.

تحریم ها و معضل اقتصادی غرب

هانس تیمرمن معاون اول کمیسیون اتحادیه اروپا در مورد سیاست تحریم نفت و گاز روسیه می گوید متاسفانه بخاطر وابستگی شدید اروپا به نفت و گاز روسیه، ما در مورد سیاست تحریم، یکدست و متحد نیستیم. ۴۰ درصد نیاز انرژی اروپا وابسته به روسیه است و وابستگی کشور آلمان ۵۵ درصد است اما تا همینجا تحریمها بویژه در بخش صنایع و تکنولوژی، ضربات مهلکی به اقتصاد روسیه وارد کرده است. با این همه باید اذعان داشت که ادامه این جنگ، رشد اقتصادی اروپا را نیز با اختلال روبرو می کند. وی می افزاید، رشد اقتصادی در دهه های گذشته به یمن مواد خام ارزان و انرژی کم بها استوار بوده است. ایشان تمایلی ندارد تا از نیروی کار فوق ارزان صدها میلیون کارگر آسیائی و آفریقائی نامی به میان آورد که بار سنگین تولیدات مصرفی در کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی را بر گرده دارند و عامل اصلی سودهای میلیاردی و رونق اقتصادی کشورهای اروپائی و آمریکائی اند.

در همین رابطه شارل میشل رئیس شورای اروپا می گوید: این جنگ امنیت جهانی و تمامی اقتصاد دنیا را تهدید می کند. آخیم وامباخ مدیر مرکز

تحقیقات اقتصادی اروپا در مانهایم شاید در این میان تنها کسی است که بدست اشاره می کند که "جنگ اوکراین الگوی اقتصادی ما را هم زیر سؤال برده است". البته این الگو در بحران اقتصادی ۲۰۰۹ هم زیر سؤال رفت. با حمله کرونائی ویروس ها هم زیر سؤال رفت. امروز جنگی در گوشه ای از جهان در می گیرد و به یمن همین "الگو" بیکار سازی ها و کاهش قدرت خرید مردم در چهارگوشه جهان گسترده می شود. چند فاجعه و بحران باید اتفاق بیفتد تا سترونی و بیگانگی این الگو، این سیستم، با نفس و ذات وجود انسان و جوامع انسانی دوباره به اثبات رسد؟ آری این الگوی اقتصادی مدتها است که زیر سؤال رفته است.

جنگ اوکراین بی ثباتی و کراخت سرمایه داری را آشکارتر می کند. تهاجم ارتش روسیه به اوکراین، ادامه حمله غافلگیرانه روسیه به شبه جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ بود که این منطقه را به کشور خود الحاق کرد. شاید بتوان گفت که تهاجم به اوکراین سرآغاز دورانی نوین در رقابت هژمونی طلبانه روسیه بعد از فروپاشی با آمریکای در حال افول است اما شرایط امروز کاملاً در جهت عکس منافع روسیه عمل می کند و ادامه این جنگ در میان مدت روسیه را از نقطه نظر بین المللی به روسیه دوران تزار بر می گرداند و عواقب جبران ناپذیری را به مردم این کشور تحمیل می کند، از هم اکنون نشانه های این روند قابل مشاهده است.

از طرف دیگر جنگ اوکراین دقیقاً همچون بحران جهانی کرونا، سترونی و ناتوانی سیستم سرمایه داری در تامین معیشت و رفاه و سلامتی عمومی را به عیان نشان می دهد. اگر در

دوران دوساله پاندمی، ثروت میلیاردرها و مولتی میلیاردها دو برابر شد و مردم فقیرتر شدند. امروز این پدیده با حدت آشکارتری نمایان شده است.

هانس تیمرمن می گوید "از هم اکنون خطر فقر دارد سیمای اروپا را تغییر می دهد. قدرت خرید مردم کشورهای اروپایی بشدت کاهش یافته و مردم آلمان که شاید مرفه ترین مردم اروپا باشند قدرت خریدشان را به طور فاحشی از دست داده اند". گرانی بعضی از اقلام مواد غذایی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش نشان می دهد و این هنوز از تالیخ سحراست.

ارجحیت دادن رشد اقتصادی اروپا بر سرنوشت میلیونها دردمند و آواره اوکراینی از زبان متفکرین و سیاستمداران جهان سرمایه داری بار دیگر این چهره دروغین حقوق بشری و بیگانگی این سیستم با نفس بشر و حقوق بشرشان را آشکار گردانید.

اما لازم به تاکید است، مسئول تمام این شرایط جهانی و فجاجی که دامنگیر مردم اوکراین شده، بیشک و در وهله اول ولادیمیر پوتین و دولت اولیگارش روسیه است. برای پایان دادن هر چه سریع تر به رنج و عذاب مردم اوکراین و بربریتی که هر ساعت کشتار می کند ضروری است و باید جنبش ضد جنگ در ابعادی دیگر و با خواستههایی روشن به میدان آید و دولت های غربی را وادار کند بجای مماشات و چرتکه انداختن های کاسبکارانه، اقدامات جدی مانند بستن تمامی سفارتخانه ها و کنسولگری های روسیه را در دستور گذارند. این جنبش باید خواهان آتش بس و قطع فوری جنگ باشد، خواهان انحلال پیمان نظامی ناتو و خلع سلاح



محمد شکوهی

در یمن چه می گذرد؟ فاجعه جنگ یمن و نقش ایران و عربستان!

جنگ داخلی یمن وارد هشتمین سال خود شده است. در طول این مدت نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر کشته و میلیونها نفر آواره و بیش از نصف جمعیت این کشور با گرسنگی و مرگ تدریجی روبرو هستند. رژیم های جمهوری اسلامی، عربستان و گروههای تروریستی حوثی عامل مستقیم فاجعه ویرانگر در یمن هستند. ادامه پیش از هفت سال جنگ تمام عیار با تمام بربریت و وحشیگری توسط طرف های درگیر بر علیه مردم این کشور، از بزرگترین فجایعی است که در قرن اخیر و در برابر چشمان جهانیان و متاسفانه در سکوت کامل جریان دارد. برای دادن تصویری از آنچه امروز در یمن و بر مردم این کشور می گذرد، باید به عقب برگشت و مجموعه تغییر و تحولات بیش از یک دهه اخیر را در پرتو بهار عربی مرور کرد، تا بتوان نقش شدت ضد انسانی طرف های درگیر در این جنگ و نسل کشی را توضیح داد.

بهار عربی، در یمن چه گذشت؟

از اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱ که موج انقلابات معروف به بهار عربی به راه افتاد، دهها

میلیون نفر در کشورهای مصر، تونس، لیبی، سوریه و یمن برای رهایی از چنگ نظامهای دیکتاتوری دست به اعتراض زده و خواستار آزادی و کرامت انسانی و سرنگونی این رژیم ها شدند. انقلابات عربی بزرگترین تحول در یک قرن گذشته در این منطقه بود. اما در سایه

نبود احزاب رادیکال و مدافع خواستهای مردم در این کشورها، در کنار میداندار شدن دار و دسته های تروریست اسلامی، انقلابهای عربی متاسفانه از رسیدن به خواستهایشان بازماندند. آغاز جنگ گروههای رقیب در این کشورها، ویرانی و دهها مشکل دیگر، باعث شد بازیگران رژیم های سابق و رقبای تروریست جدیدشان وضعیت سابق را با همکاری نیروهای مرتجع و حاضر در صحنه دوباره احیا کنند. تنها در تونس مردم و انقلاب توانست تا حدودی و با بیشترین بحرانها، فعلا لاک پشتی مقاومت کرده و پیش برود. سرنگونی رژیم های دیکتاتوری، مبارک، بن علی و قذافی و صالح متاسفانه برای مردم نه امنیت، نه رفاه و نه آزادی به ارمغان آورد.

اما برگردیم به یمن. موج انقلاب و اعتراضات علیه نظام حاکم سال ۲۰۱۱ به یمن نیز رسید. میلیونها نفر تحت تاثیر انقلابات مردم در منطقه و برای رهایی و رسیدن به آزادی دست به اعتراض بر علیه نظام حاکم زدند. مردم در تظاهراتهای بزرگ صدها هزار نفری در شهرهای صنعا، عدن، السعده و مارب در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی برای مدت یک هفته در خیابان مانده و خواستار کناره گیری علی عبدالله صالح رئیس جمهوری این کشور از قدرت شدند. در ماه مارس همان سال اعتراضات ضد حکومتی اوج گرفت و نهایتا دولت

علی عبدالله صالح در ژوئن ۲۰۱۱ سرنگون و شخص وی به عربستان فرار کرد. اما همزمان گروههای تروریست حوثی شیعه مورد حمایت جمهوری اسلامی و رژیم عربستان وارد صحنه شده یک جنگ تمام عیار را بر مردم تحمیل کردند.

دولت منصور هادی که جانشین علی عبدالله صالح شده بود برای تثبیت موقعیت خود با حمایت عربستان و برای مهار و کنترل حوثی ها وعده انتخابات بدون شرکت حوثی ها را داد. حوثی ها انتخابات را تحریم کردند و خود منصور تنها کاندید بود که رای آورد و ۲۱ فوریه ۲۰۱۲، وی به کاخ ریاست جمهوری این کشور راه یافت. بدین ترتیب انقلاب یمن توسط بازماندگان حکومت و نیروهای جدید، بویژه حوثی ها به شکست کشانده شد. در این میان عربستان به حمایت همه جانبه از دولت منصور در برابر تعرضات حوثیها در یمن پرداخت. متقابلا جمهوری اسلامی با حمایت های نظامی و مالی از حوثی ها و خط دهنی سیاسی به این دار و دسته های تروریست، مبنی بر عدم مشروعیت دولت منصور، جریانات و دار و دسته های حوثی را تشویق به ادامه جنگ برای مقابله با دولت منصور و رژیم عربستان کرد. در اقدامی دیگر و بر اساس "توافق ریاض" قرار بود منصور هادی تا ۲ سال بعد و با برگزاری انتخابات سراسری، به دوره ریاست بر دولت انتقالی پایان دهد، امری که هرگز تحقق نیافت و با حمایت عربستان بر مسند قدرت ماند. در نتیجه این وضعیت انقلاب مردم برای رهایی از فقر، سرکوب و دیکتاتوری توسط گروههای تروریست حوثی و باقیماندهای رژیم قبلی که الان در قالب

دولت جدید در صحنه هستند، تماما به حاشیه رانده شد و نیروهای طرفدار عربستان و جمهوری اسلامی یک جنگ تمام عیار را آغاز کردند.

یمن صحنه جنگ رقابت رژیمهای عربستان و جمهوری اسلامی

با اجراشدن به اصطلاح توافق ریاض" یمن عملا به دو منطقه، عدن تحت نفوذ رژیم هادی که مورد حمایت عربستان است و منطقه صنعا که تحت نفوذ حوثی های مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارد، تقسیم شد. جنگ دولت هادی با رقیب جدیدش حوثی ها وارد مرحله جدیدی شد.

دار و دسته های حوثی برای تثبیت موقعیت خود بلافاصله دست به کشتار و جنایات و کوچاندن مردم مخالف سیاستهایشان در منطقه صنعا دست زده و این شهر را تبدیل به مرکز قدرتشان کردند.

با قدرت گیری حوثی ها و خطر سقوط دولت منصور در عدن، رژیم عربستان مدعی شد که دولت یمن از وی تقاضای کمک کرده است و اقدام به دخالت نظامی در این کشور کرد. رژیم عربستان از سال ۲۰۱۵ "اتلافی" از چند کشور همراهش سازمان داد و اقدام به گسترش جنگ بر علیه حوثی ها کرد. عربستان مدعی است که با "تروریسم" می جنگد. متقابلا حوثی هاو جمهوری اسلامی هم ادعا می کنند علیه رژیم عربستان و برای جلوگیری از "کشتار و قتل عام جمعیت شیعه" این کشور از حوثی ها حمایت می کند.

همه این اتفاقات در حالی صورت می گیرد که آمریکا و غرب به دخالت نظامی ائتلاف عربستان در یمن چراغ سبز داده است. سیاست غرب "مهار" فعالیتهای تروریستی جمهوری

اسلامی در منطقه است که اکنون این کار توسط عربستان در یمن و در جنگ با گروههای حامی ایران به پیش برده میشود. سیاستی به غایت ارتجاعی و ضد انسانی که نتیجه اش کشتار صدها هزار نفر از مردم بی گناه یمن توسط حوثی ها و طرف های درگیر در این جنگ خانمان بر انداز شده است.

رقابتهای رژیم های دیکتاتوری عربستان و جمهوری اسلامی، برای تثبیت موقعیتشان در منطقه خلیج، شکل دادن به آینده سیاسی این منطقه و ایجاد تغییرات در صف بندیها و آرایش جغرافیای سیاسی و نظامی است. بخشی از عملی کردن این سیاست در دخالت هر دور رژیم در جنگ یمن برای تثبیت هژمونی منطقه ای شان متمرکز شده است.

یمن عرصه رقابت رژیمهای عربستان و جمهوری اسلامی و گروههای تروریستی اسلامی مورد حمایتشان است. رژیم دیکتاتوری جهل و مذهبی و سرکوبگر عربستان به بهانه "مقابله با تروریسم شیعی" در یمن، وحشیانه ترین حملات و بمبارانها را علیه این کشور و مردمش به پیش می برد. به بهانه مقابله با "هلال شیعی" و برای "دفاع از فرقه سنی" و روایت این حکومت از اسلام، سازماندهی جنگ مذهبی و کشتار و جنایت علیه مردم یمن را در پیش گرفته است.

متقابلا جمهوری اسلامی با حمایت از تروریست های حوثی، به بهانه "حمایت از مقاومت شیعی" در مقابل وهابیون و اسلام آمریکایی دامن زدن به نفرت و تخاصمات مذهبی را در پیش گرفته و یک طرف اصلی جنگ در یمن شده است.

جمهوری اسلامی و



دادگاه آبان و تهدید شاهدان

کیوان جاوید

۱۵ سازمان حقوق بشری روز پنجشنبه، ۱۸ فروردین، با انتشار بیانیه‌ای آزار و اذیت شاهدان دادگاه بین‌المللی آبان و خانواده‌های آنان به دست مقامات جمهوری اسلامی ایران را محکوم کردند.

دادگاه آبان که در لندن برگزار شد به شهادت بیش از ۵۵ شاهد گوش داده و شهادتنامه‌های کتبی ۱۶۹ شاهد دیگر را دریافت کرده

است. این دادگاه در امتداد دادگاه ایران تریبونال و همچنین محاکمه حمید نوری در استکهلم، شرایطی بوجود می آورد تا دولت‌ها چاره‌ای جزء محکومت بیش از گذشته جمهوری اسلامی نداشته و راه را برای بایکوت جهانی این حکومت خونریز مهیا تر می کند. دادگاههایی از این نوع، کمک می کند تا افکار عمومی بین المللی بیش از گذشته با مبارزات حق طلبانه مردم آشنا شده و از جنایات جمهوری اسلامی، وسیع تر و واضح تر آگاه گردند. وحشت دستگاه سرکوب و سازمان های اطلاعاتی

جمهوری اسلامی از حضور شاهدان در دادگاه آبان نیز چند وجهی است. یکم: عدم ترس شاهدان در دادگاه های بین المللی و هموار کردن راه برای حضور بیشتر خانواده ها و معترضان در

مجامع بین المللی. دوم: اثبات اینکه جمهوری اسلامی نمی تواند در خفاء جنایت کند و دنیا از آن بی اطلاع بماند. همچنین ایجاد اعتماد به نفس بیشتر در میان مردم که در اعتراضات، وسیع تر

حضور یابند و رژیم را بیشتر به چالش بکشند. دفاع از خانواده های جانباختگان و شاهدان دادگاه آبان در لندن را به امری مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم و آنها را تنها نگذاریم.

ادامه از صفحه ۱۱

سران دار و دسته های تروریست اسلامی حوثی باید به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت دستگیر و محاکمه گردند. سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی مردم ایران از شر آن، سرآغاز رهایی کل مردم منطقه از شر و تهدید تروریسم اسلامی و دولتی، جهل و خرافه و مذهب خواهد بود.

تروریستهای حوثی، رژیم عربستان و دولت مورد حمایتش در عدن، مسئولان مستقیم جنایت، کشتار هزاران نفر، ادامه و تحمیل جنگ و ویرانی بر مردم یمن هستند. همه اینها مسئولان و بانیان یک فاجعه عظیم انسانی و نابودی تمام شیرازهمدنی و سیاسی کشور یمن هستند. سران و مقامات بلند پایه هر دو رژیم و

ادامه از صفحه ۱۰

و ابواب جمعی اش به جرم جنایت علیه بشریت شوند. شادی وصف ناپذیری که مردم اوکراین برایش روزشماری می کنند. دیدن چنین روزی التیام بر زخم های عمیقی است که بر روح و روانشان تا مدت‌های مدید ماندگار خواهد بود.

۷ آپریل ۲۰۲۲

هسته ای گردد. در چنین فضایی مجالی دست خواهد داد که جهان متمدن شاهد پایان میلیتاریسم و رقابت های جنون آمیز دول سرمایه داری و استیلا ی یک درصدی ها بر اقتصاد و سیاست باشد و میلیونها نفر آواره اوکراینی نیز بتوانند به خانه و کاشانه خویش برگردند. دادگاه هاگ برگزار شود و جهانیان شاهد محاکمه پوتین

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

- اول مه، روز جهانی کارگر را به روز اعتراض سراسری علیه فقر و فلاکت و استثمار و سرمایه‌داری مافیایی حاکم تبدیل کنیم و از هم اکنون به تدارک برپا کردن تجمعات بزرگمان در تمام شهرها برویم.

- بنرهای گرامیداشت اول مه را در همه محیط‌های کار و در اماکن عمومی نصب کنیم.

- اول مه کار را در همه تعطیل کنیم و با برپایی تجمعات بزرگمان این روز را به جشن همبستگی‌مان تبدیل کنیم و عملاً این روز را تعطیل کنیم.

- اول مه می‌تواند یکی دیگر از روز های اعتراض معلمان در ادامه اعتراضات قدرتمندشان و بازنشستگان در تداوم یکشنبه‌های اعتراضشان باشد و در کنار هم فراخوان دهندگان این روز همبستگی کارگری باشند.

- محلات، پارکها، مترو، میادین اصلی شهرها، دانشگاهها، می‌تواند از جمله مراکز برگزاری روز جهانی کارگر باشد.

- کناره زاینده رود می‌تواند بستر برگزاری روز جهانی کارگر توسط کشاورزان و مردم اصفهان باشد.

- رانندگان و کامیونداران اعتصابی می‌توانند با نصب بنر بر روی کامیونها و مارش در جاده ها اول مه را گرامی بدارند.

- شهرهایی چون سنندج و سقز و مریان با سنت دیرین برپایی روز جهانی کارگر، در اول مه می‌توانند بدرخشند و خیابان های این شهرها را به محل برگزاری تجمعات باشکوه این روز تبدیل شود.

- نیشکر هفت‌تپه و فولاد، هیکو و آذربایجان و معادنی چون سونگون و فاریاب، این کانون‌های داغ اعتراضات کارگری می‌توانند پیش‌تازان برگزاری روز جهانی کارگر باشند.

- کارگران مراکز نفتی بدنیا اعتراضات گسترده‌شان می‌توانند بدرخشند و مقابل پالایشگاه‌ها و دفاتر منطقه ویژه اقتصادی را به محل جشن و تجمع اول مه تبدیل کنند.

در وسعت هر چه بیشتر به استقبال سراسری اول مه برویم

زنده باد اول مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

رانندگان کامیون در چند استان اعتصاب

رانندگان فروردین ۱۵ روز کامیون و خودروهای سنگین ای و ناوگان حمل و نقل جاده باربری کشور را بر فراخوانی از قبل اعلام شده در چند استان دست از کار کشیده و پیگیر بنا بر گزارشات این اعتراضات از روز فروردین آغاز شد و رانندگان ۱۴ کامیون در شهرهایی چون کرمانشاه، تهران، کرمان، پل دختر و در استان آذربایجان وارد در روز پانزدهم اعتصاب شدند این اعتراضات ادامه داشت و رانندگان کامیون در همدان نیز به سطح پایین اعتصاب پیوستند دستمزدها و دریافتی ها، افزایش سرسام آور قیمت کالاها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید، نبود امکانات رفاهی و آسایشی بین راهی، هزینه های سرسام آور نگهداری کامیون، رانت خواری ها و دزدیهای دلالان کاری، محرومیت از بیمه درمانی کارآمد و جاده های نا امن از جمله موضوعات اعتراض این رانندگان است. رانندگان خواستار افزایش دستمزدهایشان متناسب با رشد واقعی تورم و بیمه درمانی افزایش قیمت ها، رایگان، برخورداری از حق بازنشستگی و قطع دست دلالان کاری هستند.

۱۳۹۷ رانندگان کامیون در سال در بیش از صد شهر دست به اعتصابی قدرتمند زدند و اعتصاب آنها انعکاس وسیعی در تجربیات سطح جامعه داشت

اعتراضی بازنشستگان مخابرات در تجمع چندین شهر و دو خبر دیگر

روز ۱۶ فروردین بازنشستگان مخابرات جهت پیگیری مطالباتشان در چندین شهر از جمله در شهرهای تهران، اصفهان، اردبیل، رشت، سیرجان، سمنان و کرمانشاه دست به تجمع زدند. این تجمع در تهران در مقابل ساختمان سردار جنگل برگزار شد. در این تجمعات بازنشستگان با شعارهایی چون "بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد"، "مخابرات درآمدش عالیه سفره ما خالیه"، صدای اعتراضشان را به وضع بد معیشتی خود و فقر و بی تامینی بلند کردند. بازنشستگان مخابرات در اسفند ماه نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و مستمری های نازل خود تجمعات متعددی برپا کردند. آنها از جمله در ۲۲ اسفند در تهران تجمع داشتند و با شعارهایی چون "وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا"، "فریاد، فریاد، از اینهه بیداد"، "روزنامه، رسانه،

کجائید، به داد ما بیاید"، "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، حق و حقوقشان را طلب کردند. قبل از آن نیز در هفدهم اسفند ماه این بازنشستگان در پانزده شهر تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات بر پیگیری مطالباتشان تاکید دارند.

روز ۱۶ فروردین کارگران شهرداری رشت در اعتراض به کسر مزایا و عدم ساماندهی تبدیل وضعیت پرسنل در مقابل ساختمان استانداری گیلان تجمع کردند.

اعتراضات رانندگان کامیون که در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و درآمد و وضعیت معیشتی شان از ۱۴ فروردین ماه آغاز شده، همچنان ادامه دارد.

کمونیست کارگری ایران حزب ۱۶ فروردین ۱۴۰۱، ۵ آپریل ۲۰۲۲

حزب کمونیست کارگری

۱۵ فروردین ۱۴۰۱، ۴ آپریل ۲۰۲۲

به پیشواز اول مه برویم

اول مه، روز جهانی کارگر را به روز اعتراض عمومی در سراسر کشور تبدیل کنیم.

- برگزاری روز جهانی کارگر را به گفتمان همه مردم در همه شهرها تبدیل کنیم

- با پیامهای همبستگی با کارگران و اعتراض به فقر و گرانی و بیحقوقی، بصورت کتبی، تصویری و صوتی از هم اکنون به استقبال برگزاری یک اول مه باشکوه برویم.

- مدیای اجتماعی را به مرکز گفتمان بر سر برگزاری هر چه گسترده تر اول مه تبدیل کنیم.

- با شعارنویسی بر در و دیوار، فضای تمام شهرها را به رنگ این روز تبدیل کنیم.

- با فراخوانهای مشترک و بیانیهها و قطعنامههای مشترک روز جهانی کارگر را به روز اتحاد مبارزاتی بخشهای مختلف کارگری و کل جامعه حول خواستها و اعتراضات سراسری تبدیل کنیم.

زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

کمک مالی به کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

عباس ماندگار ۱۰۰ دلار کانادا

مسعود آذرنوش ۱۰۰ دلار کانادا

علادین فرهاد پور ۱۰۰ دلار آمریکا

کیومرث کرمانشاه ۱۰۰ دلار آمریکا

دوستدار فرزاد کمانگر ۱۰۰ دلار آمریکا

معجد آذری ۱۰۰ دلار آمریکا

سهراب وفا ۱۰۰ دلار آمریکا

شجاع تکراس ۱۰۰ دلار آمریکا

صادق احمدی ۵۰ دلار آمریکا

هاشم قربانی ۵۰ دلار آمریکا

شیرزاد چوپانی ۵۰ پوند

غلام اکبری ۵۰۰ کرون سوئد

بازمی‌گردم

(یادداشت رضا خندان مهابادی نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران)



من باز می‌گردم
یادداشتی از رضا خندان (مهابادی)



این یادداشت زمانی منتشر می‌شود که من در زندان هستم. حبسی دو پاره شده با اتفاقاتی چند. حکم ناعادلانه ما در مهر ۱۳۹۹ به اجرایی ناعادلانه درآمد و ما راهی زندان اوین شدیم.

بکتاش آبتین بود و کیوان بازن بود و من. وقتی پا به حیاط زندان گذاشتیم، داشتیم سعی می‌کردیم با شوخی‌های دوستانه غربت و رعب ذاتی زندان را که بر جان زندانی می‌خزد و در آن نفوذ می‌کند، پس بزیم؛ پس زدیم. مدتی بعد، از آن سه تن، بکتاش متاسفانه در پی بی‌توجهی زندانبانان به بیماری‌اش که رسم معمول آن دستگاه به‌ویژه نسبت به جان و سلامت زندانیان سیاسی است، مقتول شد و کیوان، خوشبختانه، چندی پیش به‌طور مشروط آزاد. حالا من پس از صد روز که بیرون از زندان به کار درمان گذراندم بار

دیگر به زندان بازگردانده می‌شوم تا باقیمانده حبس پنج ساله را، به زبان زندانیان، «بکشم». «این بار اما تنها هستم. در کنار من نه از آن دوستان اثری هست و نه از شوخی‌های دوستانه خیری. داخل زندان آرش گنجی هست. عضوی دیگر از کانون نویسندگان ایران که با پرونده‌سازی دستگاه امنیتی به ۱۱ سال حبس محکوم شده که پنج سال آن اجرایی است.

در سه ماهی که به درمان بیماری کرونا و عوارض آن مشغول بودم بسیاری، آشنا و ناشناس از داخل و خارج، با حمایت‌ها و مهربانی‌هایشان مرا مورد لطف قرار دادند. از آن‌ها، اعم از افراد و تشکل‌ها سپاسگزارم. به ویژه از کانون نویسندگان ایران.

این توجه شوق‌انگیز نشان می‌دهد که جنبش آزادی بیان و مخالفت با سانسور، با وجود

سرکوب شدید حکومت، از همبستگی اجتماعی نسبتاً خوبی برخوردار است. همین همبستگی بود که از یاد بکتاش پرچم ساخت و نگذاشت مانند بسیار موارد دیگر در خاموشی به سوی فراموشی رانده شود. انعکاس همین همبستگی در اقشار مختلف مردم است که خود را به صورت همدلی با زندانی سیاسی نشان می‌دهد و من آن را در مدتی که مشغول مداوا بودم به‌عینه دیدم.

این جنبش در کل قرن بیستم، و تا اکنون قرن بیست‌ویکم در جامعه حضوری پرفرازونشیب داشته است. در تمام این سال‌ها زیر دست سرکوب‌گر دولت‌های رنگارنگ مستبد بارها به خاک‌وخون کشیده شده، هزاران سال زندان و تبعید را متحمل شده، تا مرز نابودی رفته و باز برپا ایستاده است. و این پایداری و پیگیری را از نیاز جامعه به هدف اصلی خود، یعنی آزادی بیان گرفته است.

به‌همین سبب با وجود سرکوب‌خشن، با وجود زندان و تبعید و بایکوت و دیگر فشارها و محرومیت‌ها که دستیابی به آزادی بیان را برای

آزادی‌خواهان دشوار و با رنج و درد بسیار همراه می‌کند، جنبش آزادی بیان و مخالفت با سانسور هم‌چنان حضور دارد. این شعله خاموش‌شدنی نیست که اگر بود، در بیش از یک قرن استیلای حکومت‌ها و دولت‌های مستبد مخالف آزادی بیان در تاریخ معاصر این سرزمین، اثری از آن بر جای نمی‌ماند. اما نه فقط مانده و پایداری کرده، که بر عمق و دامنه خود افزوده است. به‌ویژه در چهل سال اخیر که مقابله صاحبان قدرت با آن شدتی تام و تمام داشته است.

از این زاویه صدور حکم‌های ناعادلانه و ضد حقوق انسانی و در بند و بر بند کردن انسان‌هایی که حق آزادی بیان خود را عملی کرده و می‌کنند، گرچه در راه رسیدن به مقصود مانع و دشوار ایجاد می‌کند، راه را یکسر بی‌رهر و نتواند کرد. آزادی بیان نیاز جامعه است، نیازی که در گذر زمان بر میزان آن افزوده شده و اکنون به‌خواست اساسی، مبرم و روزمره مردم تبدیل شده است. و این نقطه قوت جنبش است که در برابرش کار چندانی از تیغ و زندان و زنجیر بر نمی

آید. در پی احضار دادیاری زندان، من باید ۲۶ اسفند سال گذشته به زندان برمی‌گشتم اما تازه از زیر تیغ جراحی بیرون آمده بودم و بیم از عواقب شرایط زیست و بهداشت زندان موجب شد از معرفی خودداری کنم. چند روز بعد دادیاری ابلاغیه‌ای برای وثیقه‌گذار فرستاد با این مضمون که چنانچه مرا تحویل زندان ندهد وثیقه ضبط می‌شود. اکنون می‌روم که بقیه حکم ناعادلانه و غیر انسانی پنج سال حبس را بگذرانم. گرچه این ستمکاری‌ها سرما را در رگ‌هایم جاری می‌کند، دلم گرم است به جنبش آزادی بیان که زیر آسمان این سرزمین جریان دارد.

از همه کسانی که در این مدت به شیوه‌های مختلف از من حمایت کردند، از دوستان نویسنده و غیر نویسنده تا فعالان تشکل‌های گوناگون، از کانون نویسندگان ایران تا پزشکان و پرستارانی که با آن‌ها سروکار داشتم، و نیز از خانواده‌ام سپاسگزارم.

من باز می‌گردم!
برگرفته از مدیای اجتماعی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: نسان نودینیان

ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org